



با حضور دکتر شهرام یزدانی

هشتمین همایش «پزشکی، این راه بی‌نهایت» برگزار شد

را می‌توان برای یک کشور نیز تعمیم داد و حداقل ۱۵ نظام باید درست کار کند تا سطوح مختلف این هرم در یک کشور برآورده شود. در سطح فردی شدنی است که یک یا چند سطح پایین هرم را برآورده نکنید و هرم‌های بالا را داشته باشید، ولی در سطح سیستم بزرگتر (مثلاً یک کشور)، عملاً این کار، نشدنی است. وی ادامه داد: یکی از نیازهای مهم هر نظام، سرمایه‌های انسانی با ویژگی‌های خاص است، شهروندان با سرمایه‌های اخلاقی، منطقی، توانمند، مولد، مؤثر، اجتماعی و متعادل که هر کدام از این افراد باید خودشکوفای شوند و هر کدام

هشتمین همایش از همایش‌های پزشکی، این راه بی‌نهایت، با حضور دکتر شهرام یزدانی، استاد نمونه و چهره ماندگار پزشکی ایران با محوریت «نخبگان، نقش‌آفرینان امروز و فردای کشور» برگزار شد. در این همایش که ۱۹ بهمن ۹۵ در تالار ابن‌سینای دانشکده پزشکی برگزار شد، دکتر یزدانی چهره ماندگار پزشکی ایران در رابطه با استعداد‌های برتر جامعه و جایگاهی که باید به آن برسند و تأثیرگذاری آنها در جامعه صحبت کرد. وی در ابتدا به هرم نیازهای مازلو اشاره کرد و گفت: نیازهای بشر سطوح مختلفی دارد که علاوه بر سطوح فردی، آن نیازها





از آنها، نیازهای مستقل خود را دارند که باید برآورده شود. دکتر یزدانی تصریح کرد: تهدیدهای متعددی می‌تواند داشتن یک سرمایه انسانی مناسب را تهدید کند، مثل فرار مغزها که در همه کشورهای دنیا وجود دارد ولی در ایران عادی نیست. در کشور ما سالانه، بین ۱۵۰ هزار تا ۱۸۰ هزار نفر متقاضی برای خروج از کشور وجود دارد که از این نظر، ایران رتبه یک را در میان کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته داراست. همچنین برای کشوری با جمعیت ما، نرخ مهاجرت طبق تخمین‌های جهانی، باید بین یک تا دو درصد باشد، اما الآن در حدود ۱۵ درصد است و به نظر می‌رسد از بین این افراد، عمدتاً نخبه‌ها هستند که مهاجرت می‌کنند.

دکتر یزدانی در ادامه به انواع واکنش‌هایی که کشورها می‌توانند به مهاجرت نخبگان نشان دهند اشاره کرد و گفت: از جمله آنها ممنوعیت خروج، جبران مالی، بازگشت مالی، بازگشت مهاجران، شبکه مغزها و جذب و پیشگیری فعال است. در جبران مالی فرد باید هزینه‌هایی که برای او خرج شده را پرداخت کند و بعد از کشور خارج شود که ساده‌انگارانه است، چون آنچه کشور از دست می‌دهد خیلی بیشتر از آن چیزی است که به دست می‌آورد. وی افزود: بازگشت مالی یعنی فرد در جای دیگری درآمدزایی کند ولی بخشی از درآمد خودش را به وطن بازگرداند. ایران در این مورد موفق ظاهر نشده است. بازگشت مهاجران یعنی کسانی

که رفته‌اند را بازگردانیم؛ یعنی احترام، درآمد و فرصت‌های بیشتری به افرادی بدهیم که مهاجرت کرده‌اند و قرار است که بازگردند؛ اما واقعیت این هست که اگر این‌ها بازگردند، دوباره با کوچک‌ترین انگیزه‌ای از خارج از کشور، مهاجرت خواهند کرد و لذا این استراتژی پایدار نیست. شبکه مغزها این است که بگذاریم که برود و یاد بگیرد و آدم بزرگی شود و آن‌ها را بازنگردانیم ولی از آن‌ها استفاده کنیم که کشور خودشان را توسعه دهند (مثلاً) هر از چند گاهی بازگردند و دو تا سه عمل را جراحی کنند و (...). واقعیت این است که این استراتژی یک شعار است و در عمل ارزشی ندارد. در آخر سیاست برتر جذب و پیشگیری فعال است که به معنای ایجاد بستری در شان افراد نخبه است که فرصتی برای دیده شدن و شکوفایی آن‌ها فراهم شود.

دکتر یزدانی با بیان اینکه سه علت اصلی پسرفت کشورها در دهه گذشته، جنگ، ایدز و مهاجرت نخبگان است گفت: علت مهاجرت اغلب نخبگان این هست که می‌خواهند خودشکوکا شوند؛ پس چرا کاری نکنیم که در همان کشور خودشان خودشکوکا شوند. آن‌ها را در محلی که شهر خودشان هست، در معرض فرصت‌های بزرگ قرار دهیم. باید یک چشم‌انداز مشترک بین همه نخبگان ایجاد شود و آن این است که خدا چرا به ما این هوش و نخبگی را داده است و از آنچه استفاده‌ای باید بکنیم. طبق آمار به‌دست‌آمده وضعیت ایرانی‌هایی که الآن در آمریکا هستند، از نظر تحصیلات و درآمد بسیار بهتر از تمام اقشار دیگر آن جامعه حتی خود آمریکایی‌های بومی است و این مسئله، نشان می‌دهد چه سرمایه عظیم و وصف‌نشدنی در حال خروج از کشور است.

وی افزود: وقتی هوش زیادت می‌شود، ظرفیت ذهنی شما با رابطه خطی زیاد نمی‌شود، بلکه نمایی زیاد می‌شود. حاصل ضرب ظرفیت ذهنی در درصد افراد دارای همان هوش، سرمایه ذهنی یک کشور را می‌سازد. بخش عمده‌ای از نخبگان ما که مهاجرت می‌کنند، یعنی سرمایه ذهنی وصف‌ناپذیری در حال از دست رفتن است. نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که عموماً فرزندان افراد باهوش، باهوش می‌شوند (و عکسش در مورد کم‌هوش‌ها صادق است). پس در ایران رفته‌رفته بهره هوشی متوسط کاهش می‌یابد، چراکه افراد باهوش، یا مهاجرت کرده و در کشور نمی‌مانند، یا اگر هم بمانند، تعداد فرزندانشان به مراتب کمتر از افرادی است که هوش کمتری دارند. طبق تخمین‌های رسمی، ایران با متوسط هوش ۸۴، رتبه ۷۸ در بین همه کشورها



این راهکارهای ساده را می‌دهند و عملاً با گذشت زمان، نشان داده می‌شود که آنها شکست می‌خورند. در ایران اغلب آدم‌ها به‌عنوان پژوهشگر ساده فعالیت می‌کنند و نه به‌عنوان کسی که نظام پژوهشی درست در کشور را طراحی می‌کند. در اصل، نظام نوآوری در کشور ما غیرساختارمند و توسعه‌نیافته است و این یعنی، ما همه المان‌های آن را داریم ولی یک سیستم ساختاریافته نداریم.

دکتر یزدانی با بیان این که برای هر مسئله پیچیده‌ای، راه‌حلی اپتیمال و پیچیده وجود دارد که برخاسته از اذهان به‌اندازه کافی پیچیده است، گفت: عمده مسائلی که در جامعه وجود دارد ساده است و اتفاقاً به‌اندازه کافی هم افرادی با ذهن ساده داریم ولی این دوستان با اعتمادبه‌نفس بالا دارند مسائل پیچیده‌ای را حل می‌کنند که باید جامعه‌ی نخبه‌ی ما حل می‌کرد ولی نکرد. نخبگان باید برنامه زندگی خود را جواری پیش ببرند که به موقعیت وزیر برسند و تأثیرگذار باشند. برای آنکه وزیران خوبی در جامعه داشته باشیم، باید وزیران بالقوه را حمایت کنیم تا به وزرای واقعی تبدیل شوند؛ اما یک وزیر بالقوه چطور می‌تواند به یک وزیر حرفه‌ای و واقعی تبدیل شود؟ با خلاقیت، خطرپذیری، مصمم بودن، اتکاپذیری، قابلیت شروع، قابلیت تداوم، اعتمادبه‌نفس بالا، میل به تعالی و تلاشی نامتناهی برای کسب تمام این مهارت‌ها و به کار بستن آنها. این چهره ماندگار پزشکی ادامه داد: مملکت ما به جنبش

است و این باعث می‌شود ما در کشور، دچار ترقیق هوش شویم و ژن هوشمان رفته‌رفته از دست رود.

به گفته دکتر یزدانی از جمله مصادیق خودشکوفایی برای استعدادهای درخشان، بودن در نقش یک رهبر، نوآور، پژوهشگر برجسته، کارآفرین موفق، دانشمند دانشگاهی، فیلسوف، نظریه‌پرداز، سیاست‌گذار، سیاست‌ساز و مدیر ارشد است. از جمله عملکردهایی که از نخبگان انتظار می‌رود، سیاست‌گذاری منطقی، حاکمیت مؤثر، رهبری بین بخشی و طراحی سیستم است که تا زمانی که نیازهای پایه‌ای یک نخبه برطرف نشده باشد به این نقش‌ها نمی‌رسد. نخبگان باید برای مقصدی برنامه‌ریزی کنند که آن مقصد به بسیاری از افراد نفع برسانند.

از دیدگاه ایشان جامعه مثل یک صفحه شطرنج است و ما سه نوع موقعیت می‌توانیم در آن تعریف کنیم؛ سرباز، رخ و وزیر. یک پزشک تنها نقش یک سرباز را دارد و عده کمی از آن نفع می‌برند؛ باید سعی کنیم به جای سرباز در صفحه شطرنج، وزیر باشیم و کاری کنیم که عده‌ی زیادی را از تصمیمات خود متأثر کنیم. چهره ماندگار پزشکی ایران خاطرنشان کرد: هنری لوئیس منکن در جمله‌ای می‌گوید: برای هر مسئله پیچیده‌ای همیشه راه‌حلی ساده و بدیهی وجود دارد که گذشت زمان عدم صحت آن را ثابت می‌کند. تا وقتی نخبه‌ها به کارهای اصلی خود مشغول نیستند؛ بقیه افراد غیرنخبه و البته با اعتمادبه‌نفس بالای کاذب



شایسته‌سالاری نیاز دارد؛ ما باید سعی کنیم و بخواهیم که در جایگاهی باشیم که بیشترین و بزرگ‌ترین تأثیر را بگذاریم. البته صرف انتساب استعدادهای درخشان به نقش‌های فرادستی کافی نیست و آن‌ها باید دانش کاری که می‌خواهند انجام دهند را داشته باشند. هر سیستمی دانش خاص خودش را می‌خواهد و یک پزشک نمی‌تواند به‌عنوان متخصص اقتصاد در حوزه سلامت عمل کند. ما باید یک «خدمت‌سالار» باشیم؛ یعنی به جایگاه سالاری و رتبه‌های بالا برسیم اما برای خدمت به مردم. شاید بگوییم که تعداد موقعیت‌های «وزیر» در جامعه کم است و عده کمی به آن می‌رسند ولی شما می‌توانید یک «وزیر در سایه» باشید و از طریق حمایت‌طلبی، Policy Support Body، نهادهای جامعه مدنی (Civil Society Groups) و نهادهایی مثل این، تصمیمات عمده یک کشور را هدایت کنید.

وی در ادامه با معرفی مهم‌ترین کلید برای توسعه کشور گفت: ما باید نخبگان سیاسی و علمی کشور را در هم ادغام کنیم و این کلید توسعه است. البته نخبگان علمی باید دانش سیستمی داشته باشند تا بتوانند مؤثر واقع شوند. ما باید کاری کنیم که نخبه‌ها در نقش‌های فرادستی متمرکز شوند. نیم‌رخ استعدادی و شخصیتی افرادی که وارد دانشگاه می‌شوند را بشناسیم و بدانیم که این فرد در چه حوزه‌ای می‌تواند موفق شود. بعد به او چشم‌انداز مناسبی را منتقل کنیم تا به آن سمت برود.

دکتر یزدانی طبق روال همیشگی برنامه‌های پزشکی، این راه بی‌نهایت، در قسمت پرسش و پاسخ، به سؤالات حاضران پاسخ داد و در پاسخ به اینکه در حال حاضر نظام آموزشی پزشکی را چگونه ارزیابی می‌کنید، اظهار داشت: نظام آموزشی را در دو واژه می‌توان توصیف کرد، نامربوط و با اثربخشی پایین. نظام آموزشی باید به‌گونه‌ای افراد را تربیت کند که دارای مهارت‌های فردی، بین‌فردی و شهروندی باشند و دانش اضافه‌ای که بی‌ارتباط به نقش فرد در آینده است به او داده نشود. راه‌حل کاستی‌های نظام آموزشی کشور ما اصلاحات است که این از وظایف نخبگان است. نخبگان باید آدم‌ها، اذهان و نگرش‌ها را تغییر دهند.

وی در پاسخ به سؤال در مورد بهترین روش یادگیری مهارت‌های ذکر شده، گفت: بهترین روش یادگیری مهارت‌های مدیریتی و رهبری، Self-Directed Learning است. برای تأثیرگذاری وسیع در سطح جامعه باید مهارت‌های رهبری را دانست. به دست

آوردن مهارت‌هایی مثل مهارت رهبری راحت‌ترین کار است، اما کار خیلی سخت‌تر رسیدن به موقعیت‌های رهبری و تأثیرگذاری است. برای آنکه به موقعیت‌های تأثیرگذار رسید، باید در سیستم همان کاری که وظیفه شما هست را انجام داد. سپس آرام‌آرام عملکردی خارق‌العاده در سیستم از خود نشان داد. بعد از مدتی سیستم را به خود وابسته کرد و در نهایت آنچه فرد خود می‌خواهد را به سیستم دیکته کند. نباید همیشه از سیستم طلبکار بود؛ باید کسی بود که سیستم را درست می‌کند!

وی در پاسخ به سؤال در مورد راهکارهای کاربردی برای رسیدن اهداف، اظهار داشت: Competitive Advantage خود را بشناسید و سعی کنید متمایز باشید. به آنچه می‌خواهید به دست آورید را پیدا کنید؛ با آدم‌ها و نهادهایی کار کنید که به هدف شما نزدیک است. شما اول موقعیت حاشیه‌ای دارید ولی چون دانش را قبل از آن کسب کرده‌اید، آرام‌آرام به موقعیت مرکزی می‌رسید. به ترتیب انگیزه، دانش و هویت (پذیرش در محیط) را پیدا کنید. انجام دادن کار خوب کافی نیست و شما به‌عنوان یک نخبه، باید سعی کنید بهترین کار را انجام دهید. باید سعی کنید ایدئولوژی خودتان را شکل بدهید و بدانید که خیلی از تصمیمات آینده شما را ایدئولوژی شما شکل می‌دهد (Reference Value Framework). اینکه شما چند بعد در زندگی‌تان را تجربه کرده باشید، علی‌رغم اینکه خطراتی دارد، ولی فرصتی ایجاد می‌کند که شما به یک دید جامع و مولتی‌پرسپکتیو می‌دهد. یک مقیاس اندازه‌گیری برای خودتان داشته باشید و ابزاری داشته باشید که بدانید چقدر موفق شدید؛ مثلاً از تأثیر فرافردی خودتان (Externality) به‌عنوان یک مقیاس اندازه‌گیری خیلی خوب استفاده کنید. سعی کنید تحت تأثیر صحبت دیگران قرار نگیرید؛ خیلی‌ها به شما می‌گویند که باید چه کار می‌کردید و اگر فلان کار را انجام می‌دادید، الان چه قدر موفق می‌شدید، ولی هیچ‌وقت نگذارید موفقیت شما با متر دیگران سنجیده شود و برای خودتان، مقیاس اندازه‌گیری مخصوص خودتان را داشته باشید.

در انتهای همایش، دکتر امیرعلی سهراب پور، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و مدیر دفتر منتورینگ دانشجویی دانشکده پزشکی با اهدای لوحی یادبود به دکتر یزدانی از ایشان قدردانی کرده و این همایش با گرفتن عکسی یادگاری به همراه دانشجویان حاضر در سالن، پایان یافت. ▲